

معرفی
کتاب

نگاهی به

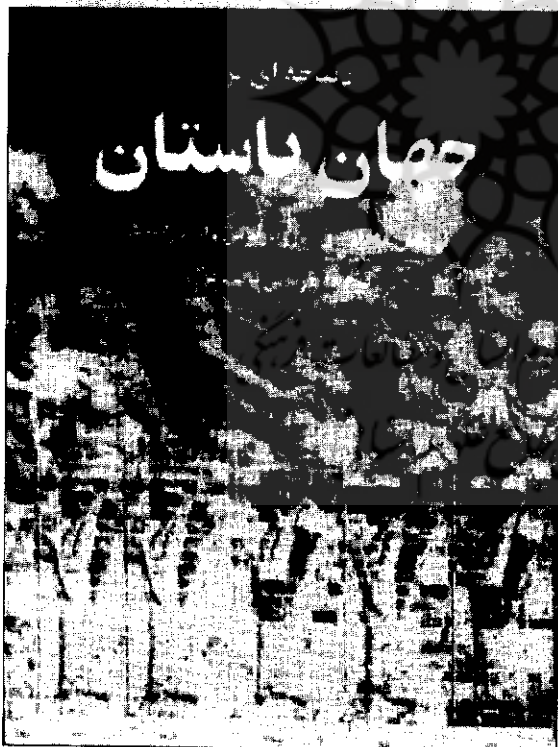
«دیپاچه ای بر جهان باستان»

سیاوش یاری

دانشجوی دوره دکتری تاریخ

بخش اول تحت عنوان خاورمیانه باستان، شامل هفت فصل است که فصل اول آن با عنوان خاستگاه‌های تمدن مصر و بین‌النهرین، به نحوهٔ آمرار معاش و وضع معیشت ساکنان این نواحی و از جمله امور مربوط به کشاورزی و

نقش اوضاع جغرافیایی و رودخانه‌ها در این باره و تأثیر آن بر تجمع و مرکزیت یافتن مردم اختصاص دارد که تمامی این مطالب به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای بین این دو تمدن مطرح شده است. به علاوه، ساختارهای اقتصادی، مذهبی، فرهنگی و نقش و تأثیر این ساختارها و نظام‌ها بر رفتار انسان‌ها، به اختصار در این فصل بیان شده است.



کتابی که در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد، از تازه‌ترین کتاب‌هایی است که دربارهٔ جهان باستان به نگارش درآمده و در ایران ترجمه شده است.

این کتاب در سه بخش اصلی - که شامل شانزده فصل می‌باشد - تنظیم شده و بخش چهارم آن نیز پیوست‌ها، کتابشناسی و نمایه است. در مجموع در ۴۴۸ صفحه تدوین و تنظیم شده که حدود یک چهارم آن متعلق به شرق باستان است و بقیه آن که شامل دو بخش می‌شود، دربارهٔ یونان و روم می‌باشد. یکی از ویژگی‌های اصلی این کتاب، نمودارهای جالب دربارهٔ موضوع‌های مختلف است. در این حال تصاویر و نقشه‌های فراوانی نیز دارد. به طور کلی، سهم مطالب و مباحث فرهنگی و تمدنی در مقایسه با حوادث و جریان‌های سیاسی

بسیار بیش‌تر است و این دومین ویژگی مهم این کتاب به شمار می‌رود. با وجود اختصار در مطالب، نکات جالب توجه بسیاری به سبک خاص در آن دیده می‌شود. اکنون به ترتیب، بخش‌های چهارگانهٔ این کتاب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

فصل دوم بخش

اول با عنوان هزاره سوم پیش از میلاد (بین‌النهرین و مصر) به طور بسیار مختصر تاریخ سیاسی مناطق مذکور را بیان کرده است؛ ولی مباحث تمدنی، از جمله پیدایش زبان و خط و چگونگی و روند تحول آن بیش‌تر و بهتر بررسی شده است.

در فصل سوم، «مصر، بین النهرین، متیانی، هیتی و حتی کرت و میسن» در هزاره دوم قبل از میلاد بررسی شده‌اند. در این فصل نیز مصر و بین النهرین به صورت تطبیقی بررسی شده‌اند. در این هزاره، اقوام بیگانه بیابانگرد و کوچنده به این مناطق مهاجرت کردند (مصر و بین النهرین) و این اقوام مهاجر به مناطقی روی بردند که از نظر فرهنگی تحول یافته و پیشرفته بودند. به نظر مؤلف، آن‌ها به همین دلیل نتوانستند فرهنگ خود را غالب کنند. در همین هزاره است که کاسی‌ها به بین النهرین و هیکسوس‌ها به مصر هجوم بردند. از دیگر مباحث جالب توجه در این فصل، اشاره نویسنده به موقعیت تجاری و تجارت پر سود آشور و توجه به این نکته است که این امر به علت موقعیت خاص جغرافیایی و تجارت با شهرهای آسیای صغیر و مناطق دیگر بوده؛ در حالی که در منابع دیگر آمده است که: «دولت آشور به علت نداشتن درآمدهای تجاری و محصور بودن، مجبور به تهاجم به کشورهای همسایه و ارتزاق از این طریق بود.»

مؤلف معتقد است: «ابداع ارایه جنگی در حدود سال ۱۶۰۰ ق. م. (که قدرت همه دولت‌های این عصر مبتنی بر آن بود) باعث از بین رفتن دولت شهرهای کوچک شد.»

کاسی‌ها نیز از ارایه جنگی استفاده می‌کردند. آنان توانستند چهار قرن بر بابل فرمانروایی کنند. انقراض متیانی به دست هیتی‌ها، از مباحث دیگر این فصل است.

مؤلف ضمن اشاره به روابط سیاسی، تجاری و فرهنگی مصر با سرزمین‌های اطراف آن می‌نویسد: «در اواخر این هزاره مصر به یک خدایی به جای چند خدایی روی آورد.» (ص ۵۶)

همان‌طور که می‌بینیم، مطالب این فصل به طور عمده شرح حوادث و وقایع مهم تاریخ بشری است که بیش تر جنبه فرهنگی و تمدنی دارند. به وقایع سیاسی، یا خیلی کم اشاره شده است و یا اصلاً بیان نشده‌اند. از فصل پنجم تا هفتم برخلاف فصل‌های پیشین، بر اساس هزاره تقسیم بندی نشده‌اند و اساساً این فصل‌ها به بررسی موضوع‌های دین، اقتصاد، جامعه و حکومت پرداخته‌اند. لذا تحقیقی بر اساس زمانبندی و کرنولوژی تاریخی نیست و البته تمام این مطالب به‌خاورمیانه باستان مربوط می‌باشد و غرب باستان در بخش‌های دیگر آمده است.

در بحث مربوط به کرت و میسن، فرهنگ این دو سرزمین را متفاوت و مجزای می‌داند؛ به این نحو که فرهنگ کرت را فرهنگ مینواند برگرفته از نام مینوس، شاه افسانه‌ای جزیره) و فرهنگ سرزمین اصل یونان را فرهنگ هلادیک (برگرفته از هلاس، واژه یونانی برای کشور یونان) می‌نامد. مؤلف ضمن مقایسه فرهنگ و تمدن کرت با شرق باستان، مهم‌ترین ویژگی هنر کرت را صلح دوستی آن می‌داند و تفاوت آن با هنر بین النهرین را در این می‌بیند که در هنر کرت، از شاهکار جنگی خبری نیست.

در مبحث دین، مذهب در مراکز تمدنی مختلف در خاورمیانه باستان همچون مصر و بین النهرین بررسی تطبیقی شده است و نویسنده می‌گوید: «در مصر، برخلاف بین النهرین، شاهان خود را خدا می‌دانستند؛ در حالی که در بین النهرین این امر بندرت اتفاق افتاده است.»

او معتقد است: «اسطوره‌ها در شرق توضیح‌دهنده پدیده‌های طبیعی و منشأ عالم هستند.»

از دیگر مطالب، روابط بازرگانی-دریایی کرت با سواحل مدیترانه و از جمله بندرهای مصر، سوریه، فلسطین، جزایر دریای ژه است. در همین دوره است که یونانیان هنر و خط را از کرت اخذ کردند.

همچنین او می‌نویسد: «در کل، شرق باستان روند چندخدایی، توحیدنویبی و یکتاپرستی را طی کرده است و تنها قوم بنی اسرائیل یکتاپرست بودند، بقیه گرچه خدای واحد را محور قرار می‌دادند، اما خدایان دیگر را هم که از قدرت کم‌تری برخوردار بودند، در کنار آن می‌پذیرفتند.»

و در پایان، به ایران و دین زردشتی اشاره شده؛ ولی مقایسه‌ای بین مذهب در ایران با دیگر سرزمین‌ها صورت نگرفته است.

فصل چهارم این بخش، به جهان در هزاره نخست پیش از میلاد اختصاص دارد. از مهم‌ترین مطالب این فصل که تحت عنوان ویژگی‌های هزاره اول پیش از میلاد بیان شده است، عبارتند از: دامنه تهاجم اقوام نیمه‌تمدن به سرزمین‌های آباد، گسترش دولت شهرهای کوچک و آشنایی و اخذ محصولات فرهنگی شرق باستان توسط یونانیان از طریق فنیقی‌ها، تأسیس مهاجرنشین‌ها

در مورد اقتصاد و جامعه که عنوان فصل ششم است، فعالیت‌های عمده معیشتی شامل کشاورزی، دامداری و بازرگانی و در انتها سازمان اجتماعی، طبقات و قشریندی اجتماعی توضیح

داده شده است. به نظر وی در خاورمیانه باستان اقتصاد بر پایه کشاورزی، کاخ و معبد زمینداران اصلی بوده است. در مصر و بین‌النهرین باستان اعطای زمین به افراد و بخصوص جنگاوران به ازای حقوق و دستمزد رایج بوده است. همچنین به نظر وی، در خاورمیانه باستان سکه رایج نبود تا این که برای اولین بار در دوره هخامنشیان رایج شد. البته با وجود رواج سکه با توجه به وسایل کند برای حمل و نقل و هزینه‌های زیاد آن، بازرگانی به خصوص در سطح بین‌المللی بسیار محدود بود.

در مورد قشر بندی اجتماعی و طبقات که از شاه شروع و به بردگان ختم می‌شد، مطالب جالب توجه با نمودارهای آموزنده‌ای آورده شده است. این نمودارها خود به تنهایی حاوی بسیاری از مطالب به طور مختصر و مفید است. در فصل آخر این بخش، مسأله حکومت با مباحثی مانند پادشاهی، دستگاه اداری و ارتش و به طور کلی ساختار سیاسی، اداری و نظامی ذکر شده است که بسیار مختصر می‌باشد و تنها به نکات جالب توجه و مهم اشاره شده است. از جمله این که، از نظر ساکنان خاورمیانه باستان پادشاهی موهبتی الهی بود که از آسمان نازل می‌شد و تمام اقوامی که شاه نداشتند، وحشی تلقی می‌شدند.

بخش دوم تحت عنوان یونان است و شامل چهار فصل، از فصل هشتم تا فصل یازدهم می‌باشد. در فصل هشتم دوران تیرگی یونان از سال ۱۲۰۰ تا ۸۰۰ ق. م بیان شده است که طی آن، تمدن میسنی سقوط کرد و شهرهایش ویران شدند و اکثر ساکنان آن به سواحل آسیای صغیر گریختند. در این دوره همچنین برای اولین بار مسابقات المپیک در سال ۷۷۶ ق. م برگزار شد که بیش تر نمایانگر رقابت ایدئولوژیکی مردم یونان بود.

دوران باستان یونان (۸۰۰ تا ۵۰۰ ق. م) نیز در فصل نهم بیان شده است که بیش تر به تأثیر پذیری فرهنگ و تمدن یونان از شرق اختصاص دارد. نویسنده بر این باور است که فرهنگ و تمدن یونانی از جنبه‌های مختلف از خاورمیانه باستان تأثیر پذیرفته است. او تمدن یونان را محصول مبادلات فرهنگی غرب با شرق و مهم ترین جنبه آن را اقتباس خط از فنیقیان دانسته است. به همین دلیل فرهنگ و تمدن یونانی در این دوره شکوفا شد و این شکوفایی تجدید حیات فرهنگ میسنی نبود؛ بلکه فرهنگ جدیدی بود که جنبه‌های مختلف آن یعنی دین، هنر، علم و اقتصادش تحت تأثیر عوامل گوناگون مشرق زمین بود. از مباحث مهم دیگر این فصل، افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی، دریانوردی، تجمل، هنر و ثروت در یونان و به وجود آمدن دولت - شهرها و ساختار سیاسی اجتماعی و مذهبی آنها می‌باشد. مؤلف معتقد است: «جهان یونانی در این عصر بسیار شبیه به فنیقیه بوده است.» یونانیان خط، اندیشه دولت شهر و مستعمره‌نشینی را از فنیقی‌ها آموختند و پس از این بود که یونانی‌ها استعمارگری را آغاز کردند و مهاجرنشین‌هایی در سوریه و جنوب

ایتالیا تشکیل دادند. به هر حال، مهم ترین مؤلفه‌های تمدنی و فرهنگی یونان در این دوره شکل گرفتند که به نظر مؤلف به طور عمد تحت تأثیر خاورمیانه باستان و اقتباس از آن بوده است. در پایان فصل، اصلاحات سیاسی و اقتصادی سولون بیان شده است.

جنگ‌های ایران و یونان با ذکر علل و نتایج و ارائه نقشه‌های جدیداً و آموزنده، جنگ‌های داخلی یونان و نقش ایران، منبع درآمد دولت آتن، افزایش چشمگیر مزدوران یونانی در ایران، اتحادیه کورنت متشکل از فیلیپ مقدونی و دولت - شهرهای یونانی و ساختار سیاسی و اجتماعی و وضعیت علمی آتن از مهم ترین مطالب فصل ده است.

در فصل پایانی بخش دوم، عصر هلنیستی یونان تشریح شد است. مطالب مربوط به اسکندر و حمله او به یونان و ایران، جانشینان اسکندر در ایران، یونان و مصر به طور خلاصه و بدون هیچ مطلب مهم و تازه‌ای آورده شده است. مؤلف، مهم ترین ویژگی عصر هلنیستی را احیای تجارت جهانی و گسترش فرهنگ یونانی در سراسر خاورمیانه می‌داند؛ هر چند که فرهنگ یونانی در کنار فرهنگ خاورمیانه به موجودیت خود ادامه داد و بندرت با این فرهنگ در آمیخت.

از دیگر ویژگی‌های عصر هلنیستی، تأثیر و تأثر خدایان یونانی و مصری بر یکدیگر بود. در این دوره همچنین دولت شهرها جای خود را به پادشاهی‌های بزرگ دادند و شهرهای جدیدی بنا شد از نظر فلسفی نیز در جهان هلنیستی، با سقوط دولت - شهرها خود دیگر بعنوان شهروند اهمیت چندانی نداشت؛ بلکه به او بعنوان عضوی از جهان نگاه می‌شد و در واقع در این دوره اندیشه جهان‌وطنی رشد فزاینده‌ای یافت. از طرف دیگر، بارش اندیشه‌های صوفیانه در این عصر، بسیاری از فیلسوفان، انسان را به پذیرش تقدیر دعوت کردند. رشد علوم و ظهور دانشمندانی همچون آریستارخوس، اراستوستنس کورنه‌ای، ارشمیدس و... از دیگر ویژگی‌های عصر هلنیستی می‌باشد. به طور کلی، تقریباً تمام مطالب این فصل به مباحث فرهنگی و تمدنی اختصاص دارد.

بخش سوم تحت عنوان روم از فصل دوازدهم تا فصل شانزدهم، اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روم را از قدیمی‌ترین ازمه تا پایان دوران باستان در بر می‌گیرد.

تاریخ آغازین روم (۷۵۴-۲۶۵ ق. م) از آمدن اتروسک‌ها، چگونگی بنیانگذاری شهر رم به دست رومولوس بر اساس افسانه‌ها، نبردهای روم با کارتاژ، ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در روم اولیه از مهم ترین مباحث فصل دوازدهم است. نحوه انتقال قدرت از پادشاهان بوکنسول‌ها و به عبارت دیگر، چگونگی پایان یافتن عصر پادشاهی و آغاز دوره جمهوری و شکل‌گیری مجلس سنا و مجمع عمومی، چگونگی توسعه سیاسی و نظامی روم و تسلط آن بر دیگر دولت - شهرهای ایتالیا، نحوه مبارزات طبقات در روم،

در قسمت اول، به شالوده‌های واقعی قدرت اوکتاویان ملقب به اگوستوس و اقدامات وی و توافق‌هایش با مجلس سنا و مجمع مردمی، تغییرات اداری و موقعیت مجلس سنا و مجمع‌های مردمی و اوضاع سناتورها و سواران و دیگر طبقات اشاره شده است. در همین دوره است که امپراتور روم شروع به کسب ویژگی‌های مذهبی کرد و اگوستوس در این زمینه نقش مهمی داشت.

در مبحث دوم نیز جنگ‌ها و شورش‌های داخلی پس از اگوستوس، نوع رابطه امپراتور و طبقات مختلف و تحولات اداری پس از اگوستوس، تغییرات در طبقات بالا، حقوق و دادگاه رومی‌ها، ساختار سیاسی و نظامی سلت‌ها و اوضاع یونانیان در امپراتوری روم بیان شده است. در قسمت سوم، کشاورزی، بازرگانی، صنایع دستی، کار و منزلت اجتماعی، جایگاه زنان، مذهب و خدایان رومی و اعمال مذهبی و نفوذ مذاهب شرق در روم بررسی شده است.

فصل شانزدهم «بحران قرن سوم میلادی و اواخر دوران باستان» را بررسی می‌کند و مهم‌ترین مطالب آن عبارتند از: جنگ‌های روم با ایران و قبایل ژرمن، شکست روم از شاپور ساسانی و اسارت والدین، بی‌ثباتی درونی در امپراتوری روم در نتیجه مشکلات نظامی و نقایص ساختاری در زمینه اقتصادی، اقدامات دودمان سور، اعطای مقام و حقوق شهروندی به تمام ساکنان آزاد امپراتوری روم، به قدرت رسیدن امپراتوران معروف به سرباز، شیوع بیماری‌های واگیر و بروز قحطی، به قدرت رسیدن ادیوکلتیان و پایان بحران، توسعه دیوانسالاری و تغییر در ادارات مرکزی و ایالتی و اصلاح نظام مالیاتی، تغییر نظام جانشینی امپراتور، مسیحی شدن کنستانتین (۳۱۲ م.) و انتخاب کنستانتینویل به عنوان پایتخت، امپراتوری روم پس از کنستانتین، گرایش به مسیحیت در امپراتوری روم و پایان امپراتوری روم غربی.

در بخش چهارم، پیوست‌ها، کتابشناسی و نمایه آورده شده است. پیوست‌ها شامل سه ضمیمه خیلی مختصر به شرح زیر است:

۱. «نام‌های یونانی و رومی» که بحثی در مورد اسامی اشخاص و علت و نحوه نامگذاری افراد است.

۲. «پول یونانی و رومی» که بحثی مختصر در مورد انواع سکه و میزان و مبلغی است که فرد می‌توانست با کسب آن زندگی کند.

۳. «امپراتوران روم» که شامل تقسیم‌بندی امپراتوران، اسامی و سال‌های حکومت آنان می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت که اثر حاضر، از معدود آثاری می‌باشد که تاریخ جهان باستان را به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای مورد مطالعه و بررسی قرار داده؛ ولی حجم زیادی از کتاب به یونان و روم اختصاص یافته است و شاید منصفانه نباشد که آن را دنیایچه‌ای بر جهان باستان بنامیم.

موازات توسعه طلبی ارضی رومی‌ها بین پاتریسین‌ها و پلپ‌ها و سرانجام آن، تأسیس نهادهای جدید به سود پلپ‌ها، از دیگر مباحث هم این فصل است.

شاید بتوان گفت، یکی از بحث‌هایی که نویسنده بخوبی به شرح و تفصیل آن پرداخته، همین ساختار سیاسی و اجتماعی در روم است که نتیجه آن، افزایش فوق‌العاده نفوذ و قدرت طبقه نظامی و تشکیلات تازه تأسیس بود. به نظر مؤلف در روم حکومت مکرر سیاسی همچون آتن هرگز وجود نداشته و نوع حکومت اساساً بگارشیک بوده است. در روم قانون اساسی وجود نداشت و این سراف و نجیب‌زادگان بودند که رشته امور را به دست داشتند.

فصل بعدی که فصل سیزدهم است، تحت عنوان «توسعه بیش‌تر تنش‌های جدید اجتماعی» به شرح اوضاع روم بین سال‌های ۲۶ تا ۱۳۳ ق. م پرداخته است. مهم‌ترین مطالب و مباحث این فصل عبارتند از:

جنگ‌های رومیان با کارتاژی‌ها (جنگ‌های پونیک)، نحوه اداره زمین‌های متصرفی جدید، گسترش فتوحات رومیان و شرح مورگشایی‌های آنان و نتایج آن، از جمله افزایش ثروت و پیدایش قلات ثروتمند و افزایش تعداد بردگان که همه این مباحث را می‌توان کنش‌های جدید اجتماعی خلاصه کرد. در واقع می‌توان گفت که لطف باز هم خوشبختانه به جای شرح جنگ‌های نظامی بیش‌تر نتایج اجتماعی و اقتصادی حاصل از آن پرداخته و آن را با بردارهای آموزنده و گویایی همراه کرده است. مهم‌ترین نتیجه این بحث را واردات گسترده برده به روم و رشد فزاینده آنان دانسته و پایان این فصل، تأثیر فرهنگ هلنیستی بر فرهنگ رومی را بیان کرده است.

در فصل چهاردهم، جنگ‌های داخلی روم در سال‌های بین ۱۲ تا ۳۰ ق. م بررسی می‌شود و عنوان آن نیز قرن آن جنگ‌های طلی است. از مهم‌ترین مطالب آن می‌توان به علل و عوامل ضایعی طبقات مختلف، اقدامات و اصلاحات خانواده گراکی منظور رفع این نارضایتی‌ها و برآوردن نیازهای مردم، اصلاحات می‌ماریوس به منظور ارتقای سطح پیروزی در جنگ‌ها، گ‌های اجتماعی به منظور کسب حقوق شهروندی بین متحدان لیایی و رومیان و تغییرات حاصل از آن، دوره اول و دوم جنگ‌های علی، شورش بردگان به رهبری اسپارتاکوس، اقدامات پومپی، سوس و سزار و نخستین حکومت سه نفره اشاره کرد. این فصل نمودارهای آموزنده و گویایی با عنوان «شالوده قدرت سرداران م» و «هرم ساختار اجتماعی در جمهوری متأخر روم» دارد.

عصر آغازین امپراتوری (۲۷ ق. م تا ۱۹۳ میلادی)، عنوان فصل پنزدهم است که از سه قسمت تشکیل شده است:

۱. دوره اگوستوس؛ ۲. عصر آغازین امپراتوری؛ تمدن و فرهنگ در این دوره.

